

## سبک زندگی اسلامی در حوزه روابط اجتماعی با تأکید بر رفتار و گفتار امام رضا علیه السلام

حمید فاضل قانع

چکیده

سبک زندگی، شامل مجموعه‌ای از رفتارها و الگوهای کنش هر فرد است که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی فردی یا اجتماعی باشد. و از آنجا که آموزه‌های دینی بر شکل‌گیری و تثبیت باورها، ارزش‌ها و هنجارها اثرگذار است، می‌توان گفت که الگوهای رفتاری پذیرفته شده در یک گروه اجتماعی، به میزان زیادی متأثر از آموزه‌های دینی و گروه‌های مرجع معرفی شده از سوی دین است. نمود آشکار سبک زندگی را می‌توان در حوزه روابط اجتماعی جست که در این زمینه، اسلام بهترین الگوی رفتاری را سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و خاندان ایشان معرفی کرده است. در این راستا، رفتار و گفتار امام رضا علیه السلام، به دلیل شرایط خاص اجتماعی آن حضرت، مورد توجه این نوشتار قرار گرفته، و از میان ابعاد و لوازم گوناگون روابط اجتماعی، به چهار مورد آراستگی، هم‌پاری، اخلاق‌گرایی و تعامل فرهنگی در گفتار و کردار امام رضا علیه السلام پرداخته شده است.

کلیدواژگان: سبک زندگی، امام رضا علیه السلام، اسلام، روابط اجتماعی، الگوی رفتار.

مقدمه

نگاهی گذرا به تاریخ نشان می‌دهد که زندگی بشر در جوامع مختلف، همیشه بر اساس مجموعه‌های از قواعد و مناسبات معین، نظم و نسق یافته و میتوان آن را همواره واجد

«سبک» دانست. بر اساس چنین رویکردی، بحث از سبک زندگی و الگوهای نظام‌مند رفتاری، بحث تازه‌ای نخواهد بود و حتی در محافل و مجامع آکادمیک نیز این مبحث در قالب موضوعات کلی‌تری مانند فرهنگ و تمدن، دارای قدمتی طولانی است. با این توصیف، جای این پرسش وجود دارد که چرا اکنون سبک زندگی تا این حد اهمیت یافته و توجه بسیاری را به خود جلب کرده است؟

واقعیت آن است که اقتضائات زندگی در جوامع مدرن و متکی بر فرهنگ و تمدن غربی، به تدریج الگوهای خاصی را برای زندگی و رفتار ارائه کرده است. به زعم دانشمندان علوم اجتماعی در یک قرن گذشته، شرایط

جدید کار، تولید، انباشتگی کالاها، مصرفی و هم‌چنین فراهم آمدن زمان فراغت بیشتر برای بخش زیادی از اقشار جامعه، نشانه‌ای از تحوّل عمیق اجتماعی و فرهنگی است. این شرایط نوین، الگوهای رفتاری تازه‌ای را در زمینه کار و فعالیت، مصرف و شیوه‌های گذران اوقات فراغت می‌طلبد که می‌توان آن‌ها را در قالب عنوان کلی «سبک زندگی» مورد بررسی قرار داد. به همین دلیل، امروزه اصطلاح سبک زندگی<sup>۱</sup> در ادبیات علوم اجتماعی، پیوندی تنگاتنگ با مجموعه‌ای از مفاهیم مانند فرهنگ، جامعه، رفتار، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، طبقه اجتماعی، سلیقه و نیاز دارد. حاصل این رویکرد خواسته یا ناخواسته، تلاشی گسترده برای معرفی، ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی خواهد بود که خاست‌گاه آن، فرهنگ سکولار غربی و عقبه معرفتی آن است.

روشن است که پذیرش منفعلانه این‌گونه الگوهای رفتاری، برای جوامع مسلمان که خود در پرتو آموزه‌های اسلامی، توانایی تعریف و ترسیم سبک زندگی دینی، و تبیین الگوهای متناسب با آن را دارند، شایسته نیست و آنان باید به اقتضای فرهنگ دینی خود، به سبک زندگی اسلامی روی آورند؛ به ویژه آن‌که ناکارآمدی تمدن سکولار غربی در پاسخ‌گویی به نیازهای چند بعدی انسان آشکار گردیده و رصد تحولات جاری در جهان نیز نشانه‌های افول این تمدن را نمایان ساخته است. تجربه تاریخی بشر نشان داده که

وقتی تمدنی به پایان راه خود میرسد، زمینه مناسبی برای شکوفایی تمدن‌های دیگر فراهم می‌شود و جامعه بشری که معمولاً در برابر تغییر و تحوّل ژرف اجتماعی مقاوم است، در چنین وضعیتی با رضایت خاطر از دگرگونی و جای‌گزینی استقبال می‌کند. در پرتو چنین فرصتی می‌توان با تکیه بر غنا و تعالی آموزه‌های اصیل اسلامی، این جای‌گزین را که هم‌چون گنجینه‌های پربها و برگرفته از میراث آسمانی اسلام نزد ما مسلمانان نهفته است، هم خود بهتر بشناسیم و هم به جهانیان معرفی کنیم.

بازخوانی آموزه‌های اسلام و ژرفاندیشی در آن، به روشنی ظرفیت بالای آن برای فرهنگ‌سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب را نشان می‌دهد، زیرا از انتزاعی‌ترین لایه‌های اعتقادی و معرفتی تا عینی‌ترین سطوح رفتاری که امروزه با عنوان سبک زندگی از آن یاد می‌شود، در چارچوب نظام معنایی اسلام جای گرفته و در مسیر تکامل و سعادت انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این راستا، قرآن که مهم‌ترین منبع

آموزه‌های اسلامی به شمار می‌رود، سرشار از الگوهایی است که شیوه زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی میکند. در پرتو آیات قرآن، سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز به‌عنوان اسوه و نمونه عالی زندگی به تمام مسلمانان معرفی شده است. هم‌چنین روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام در اختیار جامعه مسلمان قرار دارد که با الهام از تعالیم نورانی قرآن کریم و در شرایط متفاوت اجتماعی، مصادیق متعددی از الگوهای زندگی دینی را تبیین و معرفی کرده‌اند. بهره‌مندی برخی از این دوره‌های تاریخی از تمایزات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی، برای زمان ما که جامعه اسلامی بار دیگر در دوره گذار قرار گرفته، می‌تواند پیام‌های بسیار مهمی را در بر داشته باشد.

### ۱. سبک زندگی دینی

سبک زندگی در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد، که معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی فردی یا اجتماعی باشد، اطلاق می‌شود. طبیعی است که بر اساس چنین رویکردی، سبک زندگی علاوه بر این که دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنشهای اشخاص در هر جامعه دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر اعمال روزمره فرد است، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزشهای افراد نیز خواهد بود.<sup>۱</sup> چنین برداشتی از مفهوم سبک زندگی، علاوه بر این که پشتیبانی جدیدترین دیدگاههای مطرح در این عرصه را به‌مراه دارد،<sup>۲</sup> از قابلیت خوبی برای بومی‌سازی مفهوم سبک زندگی بر اساس اقتضات جامعه اسلامی نیز برخوردار است.

تمرکز اندیشمندان بر شاخصهایی مانند الگوی مصرف، شیوه گذران اوقات فراغت، الگوهای مربوط به شیوه تمرکز بر علاقه‌مندی‌ها، آداب معاشرت، الگوهای زندگی خانوادگی و بهداشت و سلامت، نشان می‌دهد که مطالعات سبک زندگی حول محوری عمومی با عنوان کلی «سلیقه»<sup>۳</sup> دور می‌زند.<sup>۴</sup> سلیقه، امری ذهنی

---

۱ حمید فاضل قانع، سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، ص ۹.

۲ ی‌یر بوردیو، تمایز - نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ص ۲۸۶ و ۳۳۷ و آنتونی گیدنز، تجدّد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، ص ۱۲۰.

۳ aste.

۴ حمد سعید مهدوی کنی، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، ص ۱۹۹ - ۲۳۰.

است که در قالب تمایلات و ترجیحات رفتاری انسان جلوه‌گر می‌شود. بدین ترتیب، فرهنگ و اجزای آن که امری کلی و عمومی به شمار می‌آید، در پرتو این تمایلات و ترجیحات برآمده از سلیقه، فردیت پیدا می‌کند و هویت فرد را برای دیگران ترسیم می‌کند.<sup>۱</sup> بدین ترتیب میتوان فرهنگ یا خرده فرهنگ را خاستگاه سبک زندگی دانست،<sup>۲</sup> اما روشن است که خود فرهنگ نیز متأثر از عوامل متعددی است که یکی از مهمترین این عوامل، دین و آموزه‌های وحیانی است.

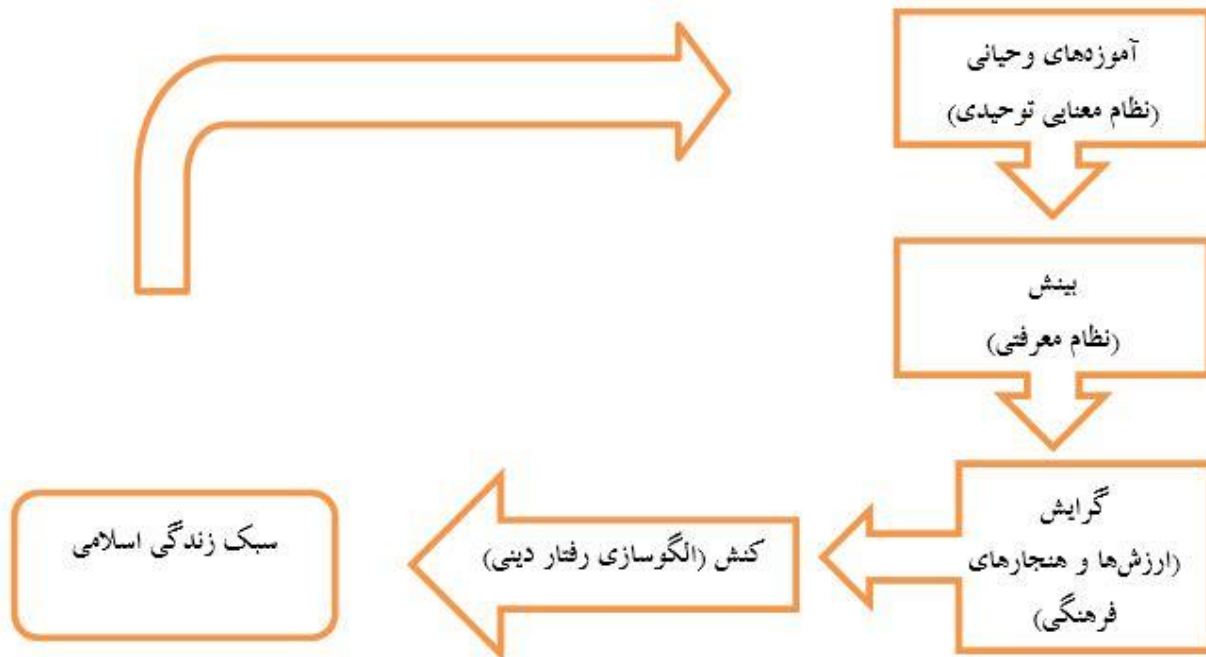
آموزه‌های دین به عنوان ابزار جامع هدایت و راهبری بشر، در بسیاری از موارد، حاکم بر باورها، ارزشها و هنجارهای لازم برای جهتهی و الگوی بخشی به رفتار و کنش انسانی است. در واقع محدود نکردن دین به فهم زمانی خاص، اعتقاد به تکامل فرهنگی و سهیم بودن اراده انسانها در آن و تبیین درست ارتباط میان فرهنگ متغیر و دین ثابت، ما را به این دیدگاه رهنمون میشود که دین و آموزه‌های وحیانی آن میتواند بخش مهمی از خاستگاه فرهنگ بشری را تشکیل دهد. پس در یک رابطه طولی، دین، فرهنگ جامعه را شکل میدهد و فرهنگ نیز بهنوبه خود، نظام و ساختار خاصی را برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف می‌کند. این ساختار به عنوان سرچشمه و خاستگاه مجموعه‌ای از الگوهای خاص برای زندگی، یک کل منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی پدید می‌آورد. البته سبک زندگی نیز به توسعه و نفوذ نظام معرفتی مبتنی بر آموزه‌های دینی یاری می‌رساند و تمایلات و ترجیحات برآمده از فرهنگ دینی را بارور می‌سازد.

نمودار پدیداری و گسترش سبک زندگی دینی در جامعه اسلامی

---

<sup>۱</sup> مایز نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ص ۹۳، بوردیو پییر.

<sup>۲</sup> فاضل قانع، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰.



## ۲. چارچوب نظری

بر خلاف رویکرد کلاسیک جامعه‌شناسان که به توصیف سبک زندگی جاری افراد و گروه‌های اجتماعی بسنده می‌کنند،<sup>۱</sup> با الهام از روش‌های برگرفته از آموزه‌های دینی می‌توان گامی فراتر از توصیف نهاد و با تکیه بر اصول ثابتی که به اعتقاد ما در آموزه‌های

اسلامی موجود است، چارچوبی ارائه نمود که در محدوده آن، به تجویز نیز بپردازیم؛ یعنی با دخالت دادن مجموعه‌های از باورها و ارزشها، به ترسیم و شکل‌گیری سبک خاص زندگی کمک نماییم. این رویکرد دقیقاً همان شیوه‌های است که از سوی پیامبران الهی پی‌گیری شده است. پیامبران از ابزار حاکم ساختن باورها و ارزشهای دینی برای ایجاد دگرگونی در سلیقه و شیوه انتخاب مردم، بهره می‌گرفتند تا آنها با رضایت خاطر به اصلاح الگوهای سبک زندگی خود اقدام نمایند.

<sup>۱</sup> برای مثال می‌توان به پژوهشی از ماکس وبر (۱۸۶۴ - ۱۹۲۰م) اشاره کرد. او با تاکید بر منش پارسایی بخشی از جامعه پروتستانها که موجب پرهیز از مصرف تجملی و در نتیجه انباشت سرمایه و سازماندهی عقلانی تولید می‌شد، تأثیر یک عامل فرهنگی برآمده از دین را بر نظم اقتصادی و اجتماعی جامعه مدرن توصیف کرده است. (ر.ک: ماکس وبر، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری).

اما اینکه آموزه‌های اسلامی را به عنوان معیار در نظر میگیریم و در صدد تجویز مفاهیم و شاخص‌های برگرفته از آن برمیآییم، مبتنی بر این پیشفرض اساسی است که جامعیت دین اسلام، همه ابعاد و زوایای زندگی انسان را در بر گرفته و او را همواره در انتخاب مسیر درست زندگی یاری می‌کند. همین جامعیت باعث می‌گردد که سبک زندگی دینی را لزوماً منحصر در یک نظام الگویی و رفتاری ندانیم و در محدوده و چارچوب برآمده از اصول اسلامی، سبک‌های متعددی را بپذیریم. سیره عملی پیامبر اسلام و اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با اصحاب خود نیز نشان میدهد که ایشان، اختلاف سبک را می‌پذیرفتند.<sup>۱</sup> پس ارزشها و نگرش‌های هم‌سان، لزوماً به سبک زندگی یک‌سان نمی‌انجامد و با توجه به ویژگی انتخابگری که در سبک زندگی وجود دارد، میتوان هر مجموعه منسجمی از الگوهای رفتاری برآمده از آموزه‌های دینی را که در چارچوب معین شده از طرف دین قرار داشته باشد، سبک زندگی دینی به شمار آورد. مهم آن است که در فرآیند تعامل تمایلات و منابع،<sup>۲</sup> از این چارچوب خارج نشویم که البته در این زمینه، توجه به گروه‌های مرجع، بسیار کارگشا خواهد بود.<sup>۳</sup>

گروه‌های مرجع دارای دو کارکرد اصلی هستند: اول آنکه هنجارها، رویه‌ها، ارزشها و باورهایی را به دیگران القا می‌کنند و دوم آنکه معیارهایی را در اختیار کنش‌گران قرار میدهند تا کنش و نگرش خود را بر اساس آن محک بزنند.<sup>۴</sup> با توجه به این نقش بی‌بدیل، در فرهنگ اسلامی و به ویژه در آموزه‌های قرآنی به

---

<sup>۱</sup> تفاوت‌های موجود در سبک زندگی و الگوهای رفتاری سلمان و ابوذر که پیامبر میان ایشان عقد برادری بسته بود و هر دو را بارها مورد ستایش قرار داد، نمونه خوبی است. ما به هیچ وجه در سیره پیامبر اسلام نمی‌بینیم که به سلمان توصیه کرده باشد که مانند ابوذر زندگی کند. از طرف دیگر روایت شده که اگر ابوذر از قلب سلمان آگاه می‌شد، بی‌شک او را نفی می‌کرد. (کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۵۵) تفاوت الگوهای رفتاری امامان معصوم شیعه در شرایط متفاوت اجتماعی نیز مؤید همین مدعاست.

<sup>۲</sup> تمایلات و ترجیحات فردی و جمعی، جهت کنش را تعیین میکند و منابع در دسترس که در پیوند با عوامل ساختاری، فرصتهای زندگی را پدید می‌آورند، بستر بروز کنش را فراهم می‌سازند.

<sup>۳</sup> گروه‌های مرجع در اصطلاح جامعه‌شناسی به مجموعه‌های انسانی برخوردار از ویژگیهای خاص از حیث پایگاه، هنجار و نقش اطلاق میشود، که افراد برای داوری یا ارزیابی خود، آنها را به‌عنوان معیار و میزان مورد توجه قرار داده، و بر اساس آن، بینش، گرایش و کنش خود را شکل میدهند. (کوئن، ۱۳۸۰: ۱۳۸)

<sup>۴</sup> رحمة الله صديق سروسناني و سيد ضياء هاشمي، «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه مرتن و فستینگر»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ص ۱۵۰.

افراد و گروه‌های خاصی به عنوان الگوی زندگی اشاره گردیده که در رأس آنها پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان برترین اسوه معرفی شده است.<sup>۱</sup>

۳. روابط اجتماعی

روابط اجتماعی انسان که در قالب زندگی جمعی جلوه‌گر می‌شود، علاوه بر آن که نیازهای انسان را بهتر و کامل‌تر تأمین می‌کند،<sup>۲</sup> راه رسیدن انسان به سعادت را نیز هموارتر می‌سازد.<sup>۳</sup> پس انسان اجتماعی برای رسیدن به اهداف زندگی جمعی، باید پایه‌ها و ارکان جامعه را تثبیت و تقویت نماید تا جامعه‌ای هم‌بسته و متحد شکل بگیرد. به همین دلیل، یکی از اهداف دین اسلام تحکیم روابط اجتماعی انسان‌ها در تمام سطوح و کاهش تضادها و تنش‌هایی است که نظم اجتماعی را به چالش می‌کشد و تعهد افراد را به وظایف متقابل اجتماعی، متزلزل می‌کند. مسلمانان نیز باید در شیوه رفتار اجتماعی و روابط با هم‌نوعان خود، از الگوهای رفتار دینی تبعیت کنند تا ظهور اجتماعی دین کامل شود و درهای برکات الهی بر جامعه گشوده شود.<sup>۴</sup>

بهترین راه برای رسیدن به این مقصود، رجوع به سیره کسانی است که قرآن کریم آنان را الگو و اسوه معرفی کرده است. در این راستا، الگوهای رفتاری امام رضا علیه السلام که در دورانی مهم از تاریخ اسلام، نماد و الگوی ویژه سبک زندگی اسلامی به شمار می‌رود، پیوسته مورد توجه تاریخ‌نگاران بزرگ مسلمان و غیرمسلمان بوده است. اگرچه سیاست‌های مبهم و پیچیده مأمون، خلیفه عباسی، موجب ارائه برخی گزارش‌های نادرست از وقایع زندگی امام رضا علیه السلام شد،<sup>۵</sup> اما واقعیات مسلم تاریخی از موفقیت و

۱ (لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيراً) (احزاب، آیه ۲۱).

۲ عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۷۷ و سید محمد حسین طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۷۹.

۳ ابونصر فارابی، آراء اهل المدينة الفاضلة، ص ۱۱۷.

۴ (ولو ان اهل الثرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فاحذنبهم بما كانوا يكسبون) (اعراب، آیه ۹۶).

۵ برای مثال می‌توان به گزارش طبری و ابن اثیر از واقعه شهادت امام رضا (محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۷، ص ۴۷۰ و ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۵۱) و نیز تحلیل احمد امین درباره پذیرش ولایت‌عهدی مأمون از سوی امام رضا (محمد جواد فضل‌الله، الإمام الرضا علیه السلام تاریخ و دراسة، ص ۱۹۱ و ۱۹۲) اشاره کرد.

مقبولیت سبک زندگی و روابط اجتماعی آن حضرت در میان جمع کثیری از مسلمانان آن روزگار حکایت می‌کند. استقبال پرشور مردم، بویژه نخبگان و فرهیختگان جامعه از امام در نیشابور،<sup>۱</sup> و هم‌چنین هیجان و اشتیاق طبقات مختلف اجتماعی در مرو، هنگام استقبال از امام رضا علیه السلام برای برگزاری نماز عید،<sup>۲</sup> نمونه‌هایی از دل‌بستگی عمومی جامعه اسلامی به سیره اهل بیت علیهم السلام است که در آن روزگار در رفتار و گفتار امام علی بن موسی الرضا علیه السلام جلوه‌گر شده بود.

این رفتار و الگوهای برآمده از آن، دارای ابعاد، مراتب و لوازم متعددی است که این نوشتار را مجال توجه تفصیلی به آنها نیست، بنابراین می‌کوشیم که برخی از مهم‌ترین ابعاد و لوازم روابط اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را در رفتار و گفتار آن امام همام جستجو کنیم.

#### ۴. آراستگی

یکی از الگوهای رفتاری برجسته در زندگی امام رضا علیه السلام، توجه ویژه آن حضرت به آراستگی ظاهر در روابط اجتماعی و هنگام مواجهه با هم‌نوعان است. روایات و حکایات موجود نشان می‌دهد که هرچند منش آن حضرت در خلوت و هنگام دوری از اجتماع، بی‌توجهی به زخارف دنیا و اکتفا به ساده‌ترین خوراک و پوشاک بوده است، اما در روابط اجتماعی و هنگام حضور در میان مردم، به وضعیت ظاهری و آراستگی خود، توجه

ویژه‌ای داشته است.<sup>۳</sup> از تلاش و جدیت امام علیه السلام در اتخاذ این روش، می‌توان به این نکته رهنمون شد که آراستگی ظاهر افراد، نوعی تکلیف اجتماعی برای احترام به دیگران است، زیرا اگر سیمای ظاهری انسان، آراسته، پاکیزه و موزون باشد، چشم و دل مردم از دیدار انسان شادمان می‌گردد و بدین وسیله اساس

---

<sup>۱</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۴۴.

<sup>۲</sup> مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۷۳.

<sup>۳</sup> حسن ابن جهم می‌گوید: نزد امام رضا رفتیم و ایشان موهایش را رنگ سیاه زده بود. گفتیم: فدایت شوم! با رنگ سیاه، موهایت را رنگ کردی؟ فرمود: «إِنَّ فِي الْخِضَابِ أَجْرًا وَ الْخِضَابُ وَ التَّهَيُّةُ مِمَّا يَزِيدُ اللَّهَ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ...» (کلینی، فروع الکافی، ص ۱۱۵۷) در این کلام امام به دو موضوع اشاره شده است: اول، اجر معنوی آراستگی و دوم، ارزش اجتماعی و تکلیفی آن؛ به عبارت دیگر، امام با تکیه بر پیامدهای اجتماعی آرایش و آراستگی ظاهر، از جمله تحکیم بنیان خانواده و افزایش پاک‌دامنی همسران، آن را مستوجب اجر و پاداش نیز دانسته است.



زندگی انسان که بر انس و هم‌گرایی اجتماعی نهاده شده، تقویت می‌شود. شاید توجه به همین بُعد تکلیفی آراستگی در روابط اجتماعی، موجب آن گردیده که امام رضا علیه السلام، اهتمام انسان به زیبایی ظاهری را دارای اجر معنوی دانسته<sup>۱</sup> و ژولیدگی و عدم آراستگی را موجب خشم و غضب الهی معرفی کرده است.<sup>۲</sup>

آراستگی، علاوه بر آثاری که در روابط اجتماعی درون‌گروهی مؤمنان دارد، می‌تواند دارای پیامدها و اثراتی فراتر از جامعه ایمانی هم باشد، زیرا آراستگی و سیمای خوش‌آیند مؤمنان، شکوه و زیبایی جامعه اسلامی را در برابر دیگران به نمایش می‌گذارد. به همین دلیل، زمانی که از امام رضا علیه السلام درباره پوشیدن لباس‌های زیبا می‌پرسند، آن حضرت می‌فرماید: «الْبِسْ وَ تَجَمَّلْ»؛ یعنی بپوش و زیبا بپوش.<sup>۳</sup> البته روشن است که میزان توجه به آراستگی ظاهر، بویژه در زمینه لباس و پوشش، با سطح درآمد و زندگی عموم مردم در جامعه مرتبط است. در گفتار و کردار امام رضا علیه السلام نیز این توجه ویژه به اقتضائات زمانی و مکانی و شرایط خاص اجتماعی را می‌توان به روشنی مشاهده کرد. از برخی سخنان آن حضرت می‌توان دریافت که در عصر ایشان، برخی از اقشار جامعه انتظار داشتند که آن حضرت نیز مانند زمان امیرمؤمنان علی علیه السلام لباس بپوشد و به سان آن حضرت زندگی کند، اما امام هشتم با صراحت در پاسخ آنان به تفاوت دوره‌ها و زمان‌ها و اقتضائات هر زمان اشاره می‌کند.<sup>۴</sup> توجه به همین اقتضائات اجتماعی، موجب آن می‌شود که امام علیه السلام شانه زدن موها و محاسن، خضاب کردن موها، به دست کردن انگشتری و هر چیز دیگری را که بر آراستگی انسان می‌افزاید،<sup>۵</sup> مورد توجه قرار داده، دیگران را نیز به آن توصیه می‌کند، تا جایی که خود مرغوب‌ترین و بهترین عطرها را سفارش می‌دهد<sup>۶</sup> و خوش‌بویی و استفاده از عطر را جزء اخلاق انبیای الهی می‌شمرد.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۹۲.

<sup>۲</sup> محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰۳.

<sup>۳</sup> عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الإسناد، ص ۲۸۶، ح ۱۲۹۶.

<sup>۴</sup> حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۹۸.

<sup>۵</sup> سید محمد حسینی قزوینی، موسوعة الإمام الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۸ - ۱۰۷.

<sup>۶</sup> کلینی، فروع الکافی، ص ۱۱۷۸.

<sup>۷</sup> همان، ص ۱۱۷۵.

این الگوی رفتاری علاوه بر بعد ایجابی و ترویجی، نوعی مبارزه منفی با برخی پندارهای نادرست اجتماعی نیز به شمار می‌رود. امام رضا علیه السلام با اتخاذ این روش نشان می‌دهد که آراستن ظاهر نمی‌تواند نافی و ناقض زهد واقعی باشد و تا جایی که آدمی دل‌بسته و شیفته دنیا و زخارف آن نگردد، می‌تواند وضع لباس و خوراک خود را متنعمانه اداره کند،<sup>۱</sup> آنچه در فرهنگ اسلامی، به عنوان دنیا نکوهش شده، تمام آن چیزهایی است که انسان را از یاد خدا غافل کند و رنگ و بوی معصیت داشته باشد؛<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، دنیا زمانی که هدف اصلی انسان قرار بگیرد و سبک زندگی او را به گونه‌های شکل دهد که او را از مقصود اصلی آفرینش دور کند، مذموم است، اما اگر به عنوان مقدمه و پل زندگی اخروی نگریسته شود، دارای ارزش خواهد بود. پس دلیلی وجود ندارد که مؤمن، خود را از نعمت‌های حلال و پاکیزه الهی محروم سازد، زیرا خداوند این نعمت‌ها را نیافریده که مؤمن از آنها محروم، و کافر بهره‌مند باشد، بلکه مؤمن به استفاده از این نعمت‌ها، اولی و شایسته‌تر است.<sup>۳</sup>

نقل شده است که گروهی از صوفیان نزد امام رضا علیه السلام آمدند و با کنایه گفتند: «مأمون با اندیشه خود دریافت که شما اهل بیت، از همه مردم برای پیشوایی امت سزاوارترید؛ و از میان اهل بیت، تو از همه آنان شایسته‌تری، از این رو بر آن شد که امر خلافت را به تو بازگرداند. اکنون امت به پیشوا و رهبری نیازمند است که جامه‌اش خشن و طعامش ساده باشد و بر الاغ سوار شود و از بیمار عیادت کند.» اما امام علیه السلام که زهد را در این ظواهر نمی‌جست، فرمود:

یوسف که منصب پیامبری داشت، قبای ابریشمی با دکمه‌های زرد می‌پوشید و در مجلس فرعونیان بر پشتی‌های آنان تکیه می‌زد. وای بر شما! جز این است که از امام، قسط و عدل خواسته می‌شود و اگر سخن گوید، راست گوید و اگر حکم کند، بر قاعده عدل و داد باشد و اگر وعده کند، انجام دهد؟ همانا خداوند لباس یا طعامی را حرام نفرموده است.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> محمد جواد فضل الله، الإمام الرضا علیه السلام، تاریخ و دراسة، ص ۱۰۲.

<sup>۲</sup> عبدالله جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ص ۲۴۰.

<sup>۳</sup> ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۵۶.

<sup>۴</sup> علی بن عیسی اربلی، كشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، ج ۳، ص ۴۲۳ و ابن صباغ، الفصول المهمّة فی معرفة الأئمّة، ص ۳۸۹.

اما همین امام که ذره‌ای دل‌بستگی به دنیا ندارد و سلوک معنوی او با زهد واقعی آمیخته است، هنگامی که در خراسان بود، در روز عرفه، همه مال خود را میان مردم قسمت کرد و در پاسخ کسی که گفت: این زیان‌کاری است، فرمود: «بلکه عین غنیمت است.»<sup>۱</sup>

۵. هم‌پاری

اساس نظام اجتماعی بر تعاون و همیاری نهاده شده و بسیاری از اندیشمندان عقیده دارند که فلسفه زیست اجتماعی انسان، عدم توانایی او در برآورده کردن تمام نیازهای خود است؛<sup>۲</sup> خصوصاً هنگام بروز برخی از مشکلات و مخاطرات طبیعی، او به هیچ وجه نمیتواند خود را بین نیاز از یاری و کمک دیگران بداند، از این رو جوامع گوناگون همواره در هنگام بروز خطر و مشکلات خاص، به وسیله انواع و اقسام راهبردها و سیاست‌های گوناگون از اعضای خود حمایت میکنند. اسلام نیز این سیره تاریخی بشر را امضا کرده است. یکی از دلایل اهمیت هم‌پاری و تلاش همگانی برای تأمین رفاه عمومی در جامعه، افزایش انگیزه و روحیه برای حرکت همگان در مسیر رشد و شکوفایی

و سعادت است و تنها از این طریق، تمدن پایدار پدید می‌آید. با توجه به این اهمیت، تمام ادیان آسمانی در تعالیم خود، بر این اصل مهم در زندگی اجتماعی تأکید کرده‌اند.

بر اساس این اصل، هر انسان یا گروه توان‌مند، نسبت به افراد و گروه‌های ناتوان اجتماعی تا مرز رسیدن آنان به توانایی کافی، دارای تکلیف و مسئولیت اجتماعی است. این هم‌پاری تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که همگان در انجام تکالیف فردی، اجتماعی و دینی خود، از امکانات و آمادگی کافی بهره‌مند باشند؛ یعنی انسان‌هایی نیرومند، سالم، آراسته و استوار باشند و خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، وسایل رفاهی، آموزش و پرورش و دیگر امکانات لازم برای زندگی را در اختیار داشته باشند.

امام رضا علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «خداوند توان‌مندان و برخورداران را مکلف کرده است که نسبت به وضعیت درماندگان و گرفتاران به پا خیزند.»<sup>۳</sup> روشن است که این‌گونه عبارت‌پردازی از آموزه‌های

<sup>۱</sup> ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۱.

<sup>۲</sup> ابونصر فارابی، آراء اهل المدینة الفاضلة، ص ۱۱۷ و عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۷۷.

<sup>۳</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۶.

اسلامی، به یک تکلیف و مسئولیت بزرگ اجتماعی اشاره می‌کند و نمی‌توان صرفاً آن را دستوری اخلاقی و استحبابی تلقی نمود.<sup>۱</sup> در تأیید این دریافت می‌توان به دیدگاه دیگری از امام رضا علیه السلام اشاره کرد که در بیان الزامات مالی فراتر از زکات، به وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی اشاره می‌کند که از آیه ۲۱ سوره رعد استنباط می‌شود.<sup>۲</sup>

اساس تأکید آموزه‌های اسلامی بر هم‌پاری و تعاون اجتماعی، مبتنی بر اشتراک تمام انسان‌ها در کرامت ذاتی و در مرحله بالاتر، برادری ایمانی و دینی مسلمانان است. روشن است که چنین باوری در زندگی انسان و روابط افراد با یکدیگر تأثیری ژرف دارد. این اثر را در مشی امام رضا علیه السلام نیز به روشنی مشاهده می‌کنیم، آن‌جا که به تأسی از سیره پیامبر گرامی اسلام، برترین مسلمان را کسی می‌داند که بیش از دیگران در هم‌پاری اجتماعی کوشا و خیرخواه‌ترین افراد برای برادران خود و جامعه اسلامی باشد.<sup>۳</sup> هم‌چنین در اندیشه و حدیث رضوی، یاری‌رسانی به مردم و گره‌گشایی از کار آنان، جبران فعالیت در دستگاه حاکمان جور معرفی شده است، چنان‌که در پاسخ به نامه‌های متعدد فردی می‌نویسد:

از بیمی که در این شغل داری آگاه شدم. اگر می‌دانی که هرگاه مسئول کاری در حکومت شوی، بر اساس دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار می‌کنی و دست‌یاران و کاتبان تو از هم‌کیشان تو خواهند بود و هنگامی که مالی به دستت رسید، بخشی از آن را به بینوایان مؤمن می‌دهی تا بدان اندازه که خود مانند یکی از آنان باشی، کار تو در دربار سلاطین با خدمت به برادران دینی جبران می‌شود، وگرنه خدمت در دربارها جایز نیست.<sup>۴</sup>

۶. اخلاق‌گرایی

یکی از عوامل موفقیت هر دین و تثبیت پایه‌های آن در جامعه، نفوذ شاخص‌ها و ارزش‌های آن آئین در باور و اندیشه افراد جامعه و پذیرش عمومی و اجتماعی است. پس زمانی که بیشترین افراد و جوامع موجود در

<sup>۱</sup> محمد حکیمی، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، ص ۲۴۲.

<sup>۲</sup> فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۴۴.

<sup>۳</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۴.

<sup>۴</sup> کلینی، فروع الکافی، ص ۶۴۹.

یک عصر، آرمان‌های خود را در قالب آموزه‌های دینی خاص، جلوه‌گر بینند و به آن گرایش داشته باشند، بدون تردید آن آئین در نقطهٔ اوج رشد و شکوفایی خود قرار خواهد گرفت. بنابراین نفوذ باورها در دل مردم، علاوه بر عقلانیت می‌تواند متکی بر بعد اخلاقی و عاطفی آن آموزه‌ها باشد.

در همین راستا گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد عموم مردم و طبقات گوناگون جوامعی که به اسلام گرویدند، بیشتر مجذوب فضایل و مکارم اخلاقی دین اسلام بوده‌اند؛ خصوصاً سیره و رفتار خاص پیامبر گرامی اسلام و اخلاق‌گرایی آن حضرت، که در رفتار پیروان ایشان نیز اثر گذاشته بود، باعث گرایش افراد به دین اسلام بوده است. قرآن کریم نیز به این ویژگی خاص پیامبر رحمت اشاره کرده است.<sup>۱</sup> تأکید آموزه‌های اسلامی بر رعایت اخلاق در روابط اجتماعی، حتی در پیروزی‌های گسترده مسلمانان

پس از رحلت پیامبر نیز اثرگذار بوده و مسلمانان تنها با تکیه بر نیروی نظامی هیچ‌گاه نمی‌توانستند با این سرعت و گستردگی به قلمرو وسیع آن روز خود دست یابند.

ما روابط اجتماعی مبتنی بر مکارم اخلاقی را در سیرهٔ امامان معصوم و بویژه در سبک زندگی امام رضا علیه السلام نیز به‌روشنی مشاهده می‌کنیم، چنان‌که دربارهٔ مشی اخلاقی آن امام همام گفته شده:

هیچ‌گاه با سخنان خود کسی را آزار نمی‌داد. تا سخن کسی به پایان نمی‌رسید، سخن نمی‌گفت و گفتار او را قطع نمی‌کرد. حاجت هیچ‌کسی را در صورت قدرت و توانایی رد نمی‌نمود. در حضور دیگران به چیزی تکیه نمی‌داد و پای خود را نزد کسی دراز نمی‌کرد. با خادمان و کارگزاران به نرمی سخنی می‌گفت. هیچ‌گاه از بدنش بوی بد استشمام نمی‌شد. صدا به قهقهه بلند نمی‌کرد، بلکه تبسم می‌نمود.<sup>۲</sup>

---

۱ (فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك...); (لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم).

۲ صدوق، عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۱۹۷.

آن حضرت، علاوه بر توجه و توصیه ویژه به روابط درون خانواده<sup>۱</sup>، در بعد اجتماعی نیز هیچ کاری را هم چون احسان به مردم دوست نداشت، و به هر فقیری در حد توان خود کمک می کرد.<sup>۲</sup> میهمانان زیادی به خانه امام می آمدند و آن حضرت، خود به آنان خدمت می کرد.<sup>۳</sup> اخلاق مداری در عین اشراف علمی، شرایطی را فراهم آورده بود که خانه آن حضرت لبریز از خیل مشتاقانی بود که شیفته سبک زندگی و الگوهای رفتاری او بودند.<sup>۴</sup> اما آن حضرت به این میزان نیز بسنده نمی فرمود و در تاریکی شب، خود به سراغ نیازمندان جامعه می رفت و به ایشان انفاق می کرد و در این الگوی رفتاری تا بدان حد کوشا بود که او را «کثیر المعرفة و الصدقة» معرفی کرده اند.<sup>۵</sup>

اوج فروتنی و مردم داری امام را از این گزارش تاریخی می توان دریافت که مردی در حمام از آن حضرت خواست که بدن او را مالش دهد و امام با فروتنی پذیرفت. هنگامی که دیگران آن مرد را متوجه کردند و او امام را شناخت، با اضطراب و پریشانی پوزش طلبید، اما آن حضرت با ادامه کار خود، آن مرد را در مقابل شماتت دیگران دل داری می داد.<sup>۶</sup> چنین الگوی رفتاری، بازتاب روشنی از این آموزه دینی است که انسان ها با یکدیگر برابرند و برتری، تنها با معیار تقوا به دست می آید. به همین دلیل امام رضا علیه السلام هیچ تفاوتی میان خود و بردگان و غلامان خویش جز به کردار نمی دید و غیر از عمل، همه امتیازات و نابرابری های اجتماعی را منتفی می دانست و بر سفره غذا، همه غلامان و حتی دربان و میرآخور را کنار خود می نشاند و با آنان به مهربانی سخن می گفت و انس می گرفت.<sup>۷</sup>

---

۱ امام رضا علیه السلام پاداش تلاش برای برآوردن نیازهای خانواده را برتر از پاداش مجاهدان راه خدا معرفی فرموده است. (کلینی، فروع الکافی، ص ۶۳۶).

۲ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۰.

۳ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۱۶.

۴ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۳۴.

۵ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۹۸.

۶ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۲.

۷ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۰.

قرآن کریم با صراحت به کرامت ذاتی و تکوینی انسان، و برتری او بر بسیاری از موجودات اشاره کرده<sup>۱</sup> که بی‌شک مقصود از آن، بیان حال همه انسان‌ها با قطع نظر از کرامت الهی و قرب و فضیلت روحی خاص برای بعضی از افراد است.<sup>۲</sup> دین مبین اسلام بر اساس کرامت ذاتی انسان، تمام افراد بشر را برابر و یک‌سان معرفی کرده و ملاک و معیار برتری را تنها در کرامت اکتسابی انسان می‌داند که آن هم بر اساس رشد و ارتقای ایمان و تقوای هر فرد تعیین می‌شود.<sup>۳</sup> بر اساس این آموزه، جنس انسان‌ها و نژاد آن‌ها خلق و جعل خداست و نباید موجب تفاخر یا تحقیر باشد. تفاوت انسان‌ها در شکل و قیافه و نژاد، فعل حکیمانه خدا برای تعارف و شناخت انسان‌ها نسبت به یکدیگر است.

با تکیه بر چنین مبنایی است که پیامبر گرامی اسلام به عنوان مصلح اجتماعی، تلاش می‌کرد ارزش‌های جامعه را جهت‌دهی و اصلاح کند.<sup>۴</sup>

روشن است که چنین اندیشه‌ای نمی‌تواند صرفاً یک تصور ذهنی باشد، بلکه لوازم و آثاری واقعی و ملموس در پی خواهد داشت، چنان‌که یکی از همراهان امام رضا علیه السلام در سفر به خراسان نقل می‌کند که روزی وقتی سفره غذا را برای امام گسترده‌اند، امام تمام خدمت‌گزاران را بر سر آن سفره جمع کرد. به ایشان گفت: فدایت شوم! آیا بهتر نیست برای اینان سفره جداگانه‌ای گسترده شود؟ امام فرمود:

خدای همه ما یکی است. مادر همه ما و پدر همه ما یکی است و پاداش افراد به عمل آنها بستگی دارد. هر کس عملش بهتر است، نزد خداوند مقرب‌تر است، هر چند غلامی سیاه باشد.<sup>۵</sup>

تعامل فرهنگی سازنده

---

<sup>۱</sup> (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) (اسراء، آیه ۷۰).

<sup>۲</sup> سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۶۵؛ محمد تقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج ۳، ص ۴۱۴ و عبدالله جوادی آملی، اسلام و محیط زیست، ص ۲۸۵.

<sup>۳</sup> (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ) (الحجرات، آیه ۱۳).

<sup>۴</sup> کلینی، روضة الکافی، ص ۱۵۴، ح ۲۰۳؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۸، ح ۲۵۰۵۵.

<sup>۵</sup> محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۱.

اسلام با تکیه بر ارزشهایی مانند برابری، برادری، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب، تعلیم و تعلم و ترک تعصبات قومی و مذهبی، زمینه شکلگیری و رشد تمدنی با درون‌مایه‌های غنی را فراهم ساخت که خدمات و تأثیرات چشمگیر آن، حتی امروز نیز بر فرهنگ و تمدن بشری پرتو افکنده است،<sup>۱</sup> اما یکی از مهم‌ترین عناصر اثرگذار بر رشد سریع تمدن اسلامی، توجه ویژه مسلمانان به عنصر ارتباط با دیگر فرهنگها و تمدنها بوده است. عنصر ارتباط، همواره یکی از اصول مهم در شکل‌گیری، گسترش و انتقال فرهنگها و تمدنها به شمار می‌رود. آموزه‌های اسلامی نیز به پدیده تعامل فرهنگی با دیگران با دیده مثبت مینگرد. <sup>۲</sup> برخی از پژوهشگران غربی هم که تمدن اسلامی را مورد

بررسی قرار داده‌اند، با صراحت اعلام میکنند: «پیشرفت یا عقب‌ماندگی اقوام مختلف... به مناسبات آنان با سایر ملل در طول تاریخ خویش مربوط می‌شود.»<sup>۳</sup> هم‌چنین روشن است که در پیش گرفتن سیاست ریاضت فرهنگی و فقدان تعامل فرهنگی سازنده با دیگران موجب خامی، رکود، سکون و عدم تکامل یک فرهنگ میگردد؛ چنان‌که اعراب پیش از ظهور اسلام، بهسبب سکونت در بادیه و کوچ مداوم به مناطقی که دور از فرهنگهای مجاور بودند، به نوعی از عزلتگرایی فرهنگی دچار شده و بیشتر در بدویت فرو رفته بودند،<sup>۴</sup> اما ظهور اسلام، این جامعه را دگرگون و متحول ساخت.

گرایش ذاتی دین اسلام به جهان‌نشدن،<sup>۵</sup> اقتضا می‌کند که آموزه‌های اسلامی از حداکثر نفوذ در سایر فرهنگها و هم‌چنین از همپوشانی کافی با شاخصهای اساسی فرهنگ در هر جامعه‌ای برخوردار باشد. این مهم، به وسیله محکومات و اصول ثابتی که در دین اسلام بر آنها تکیه و تأکید شده، تأمین میشود؛ به عبارت

---

<sup>۱</sup> مونتگمری وات، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ص ۱۶ و زیگرید هونکه، فرهنگ اسلام در اروپا، ص ۴۱۹ و ۴۲۰.  
<sup>۲</sup> شاید بتوان در این زمینه به قاعده‌ای کلی قرآنی اشاره کرد که در این مسئله نیز میتواند مورد توجه قرار بگیرد: (الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَالُونَ الْأُولَاءِ) (زمر، آیه ۱۸)؛ (همان) کسانی که به سخن (ها) گوش فرامیدهند و از نیکوترین آن پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا راهنماییشان کرده و فقط آنان خردمندان هستند.

<sup>۳</sup> واسیلی ولادیمیر بارتلد، فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۳.

<sup>۴</sup> حسین شکویی، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، ص ۱۵۵.

<sup>۵</sup> این نکته را میتوان از آیه ۱۹ سوره انعام دریافت نمود، آنجا که میفرماید: (... وَ أَوْحِيَ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأَنْذِرْكُمْ بِهِ وَ مَن بَلَغَ...); و این قرآن بر من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را که (این قرآن به او) میرسد هشدار دهم.



دیگر میتوان آموزه‌های اساسی اسلام را وجه مشترک تمام ادیان توحیدی دانست.<sup>۱</sup> در قبال سایر اندوخته‌های مادی و معنوی فرهنگها و آیینها نیز آموزه‌های اسلامی نه تنها رویکرد امتناعی نداشته است، بلکه هرگاه عناصر فرهنگی و تمدنی جوامع بشری بر پایه‌های عقل و خرد استوار بوده و با نگرش توحیدی سازگاری داشته، از سوی اسلام پذیرفته شده و برخی موارد نیز با حفظ عناصر مثبت و سازنده آن، در چارچوب اسلامی بازسازی شده است. در واقع اسلام به دلیل برخورداری از پشتوانه معرفتی غنی، هرگونه تحوّل فکری مثبت و مبتنی بر

عقل سلیم را تشویق کرده و هیچگاه به سبب ترس از تضعیف جایگاه خود، در برابر تحولات فرهنگی به محافظهکاری روی نیاورده است.<sup>۲</sup>

ریشه و ویژگی تعامل اسلام با سایر فرهنگها را می‌توان در این جست که مسلمانان تلاش میکردند با تکیه بر عناصر بنیادین موجود در آموزه‌های اسلامی و در چارچوب الگوی توحیدی که اسلام ارائه کرده بود، به گزینش عناصر فرهنگی و تمدنی سایر جوامع اقدام کنند. بهره‌مندی آموزه‌های اسلامی از چنین الگوی مترقی و کارآمدی، موجب گردیده است که آیین اسلام همواره و به آسانی با مقتضیات و شرایط زمانی و مکانی سازگار گردیده و با اطمینان لازم و کافی، پیروان خود را به تعامل فرهنگی گسترده با سایر تمدنها و فرهنگها دعوت کند و از این راه، خود را به عنوان آیینی فراگیر و جهان-گستر معرفی و تثبیت نماید؛ به عبارت دیگر در آموزه‌های اسلامی و خصوصاً قرآن کریم، توانمندی خاصی وجود دارد که می‌تواند انسان را تا فرجام تاریخ، هدایت و راهنمایی کند و دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر را در چارچوب کلان اسلامی، جهتدهی نماید. شاید بتوان همین نکته را دلیل ختم نبوت پس از ظهور اسلام دانست.

به کارگیری الگویی که ذکر آن گذشت، لوازم مهمی دارد که یکی از آنها، مدارا و تحمل دینی و اجتماعی است. در همین راستا اسلام، دین سهل و سمح و رحمت و رأفت معرفی شده و در تعالیم و دستورهای خود،

---

<sup>۱</sup> در این زمینه قرآن کریم میفرماید: (شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَنا إِلَيْكَ وَ ما وَصَّينا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ موسى وَ عيسى...) (شوری، آیه ۱۳)؛ برای شما از دین مقرر کرد آنچه را که نوح را بدان سفارش کرد و آنچه را که به سوی تو وحی کردیم و آنچه را که ابراهیم و موسی و عیسی را بدان سفارش کردیم.

<sup>۲</sup> سید موسی صدر، اسلام و فرهنگ قرن بیستم، ترجمه علی حجتی کرمانی، ص ۴۹.

اصل را بر آسان‌گیری و سهولت قرار داده است. در قرآن کریم نیز توصیه شده است که در مواجهه با دیگران، عفو و صفح و مدارا رعایت شود.<sup>۱</sup>

حال با توجه به توضیحات فوق می‌توان نگاه دقیق‌تری به دوران زندگی امام رضا علیه السلام و اقتضائات آن داشت. آن دوران مقارن بود با گسترش حداکثری قلمرو حکومت اسلامی و زمانی بود که متولیان سایر ادیان، تلاش گسترده‌ای را برای صیانت از دین و مذهب خود در برابر اسلام و حقانیت آن آغاز کرده بودند. به همین دلیل، سفرای آیینی و هیأت‌های مذهبی گوناگون و متعددی به پایتخت جهان اسلام می‌آمدند و با اندیشمندان

مسلمان به بحث و مناظره اعتقادی می‌پرداختند. سیره امام رضا علیه السلام و الگوی رفتاری آن حضرت در این حوزه، چارچوب و اساس روابط سازنده و شایسته بین‌المللی را به ما نشان می‌دهد. احتجاجات و مناظرات عقیدتی امام علیه السلام با سران مذاهب و نمایندگان مجامع دینی عصر خود، آن‌چنان مستحکم و موفق بود که اعترافات متعدد مخالفان را در پی داشت، و تسلط ایشان بر مبانی کلامی اسلام و مهارت آن حضرت در مناظره با دشمنان اعتقادی را نشان می‌داد.

امام رضا علیه السلام با تلاش گسترده خود، چارچوب مشی اسلامی در میانه افراط و تفریط گروه‌های گوناگون اعتقادی، علمی و مذهبی را ترسیم نمود و در این زمینه همواره بر بهره‌گیری اصولی از آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی تأکید می‌فرمود. حدیث «سلسله الذهب» نیز که در شهر نیشابور و در حضور جمع کثیری از مردم و کاتبان حدیث، از سوی آن حضرت مطرح شد، دقیقاً در همین راستا قابل ارزیابی است و اهمیت توجه به نظام معنایی توحیدی را در تعاملات فرهنگی و دوری از افراط و تفریط اعتقادی نشان می‌دهد. نکته مهم آن است که تکثر فرهنگی<sup>۲</sup> پدید آمده در جامعه آن روز، نه تنها از سوی امام رضا علیه السلام مورد نکوهش قرار نگرفت، بلکه تلاش‌ها و اقدامات امام برای تبیین چارچوب فکری روشن و صریح آموزه‌های اسلامی و تعامل سازنده با رهبران و نمایندگان فکری ملل و نحل مختلف و شرکت در مجالس

<sup>۱</sup> نور، آیه ۲۲؛ تغابن، آیه ۱۶؛ حجر، آیه ۸۵ و طه، آیه ۴۴.

<sup>۲</sup> عباس ذهبی، الإمام الرضا علیه السلام سیره و تاریخ، ص ۲۰.

بحث و مناظره که عموماً از سوی شخص مأمون برگزار می‌شد، نشان می‌دهد که امام علیه السلام فضای پدید آمده را به نفع جامعه اسلامی و پیشرفت و ارتقای آن می‌دانست.

طبیعی است که آغاز فرآیند توسعه علمی و فرهنگی در هر جامعه‌ای می‌تواند آسیب‌هایی را در پی داشته باشد؛ چنان‌که در جامعه اسلامی آن روز نیز محافل علمی، آکنده از آراء و نظریات صحیح و سقیم گردید و اندیشمندان مسلمان در پاره‌ای از مسائل دچار حیرت و سرگردانی شدند. به همین دلیل، امام رضا علیه السلام فارغ از انگیزه‌های دستگاه حاکم عباسی، از فضای پدید آمده استقبال کرد و هم‌زمان با ورود دانشمندان سایر بلاد و

عالمان ادیان دیگر به مرکز جهان اسلام، در جلسات مناظره و مباحثه با آنان شرکت می‌کرد و با دفاع عقلانی و منطقی خود از مبانی ناب اسلامی، همه طرف‌های گفتگو را به اشتراک در این روش، وادار می‌کرد. نتیجه قهری این رویکرد، بسته شدن راه مغالطه و سفسطه در جلسات مناظره بود. بدین ترتیب، امام رضا علیه السلام به جامعه علمی عصر خود آموخت که در بررسی افکار و اندیشه‌های گوناگون، خردورزی پیشه کنند تا در پرتو آن به روشنی سره را از ناسره بازشناسند و اندیشه‌ها و مذاهب باطل را شناسایی کنند.

البته مواجهه و تعامل با ادیان و فرق مذهبی، نیازمند تسلط کامل بر مبانی فکری و اعتقادی آنان است تا بتوان با اطلاع و اشراف کافی به مبانی آنان، به بحث و مناظره پرداخت. از ویژگی‌های «عالم آل محمد»<sup>۱</sup> نیز تسلط کامل بر کتب سایر آیین‌ها بود که هنگام مناظره کاملاً آشکار می‌گردید<sup>۲</sup> و به شهادت دوست و دشمن، در آن زمان کسی برتر و دانشمندتر از او نبود.<sup>۳</sup> این اطلاع و آگاهی کامل چنان بود که آن حضرت با استفاده از متون و کتب مورد قبول ادیان، بر نبوت پیامبر گرامی اسلام استدلال می‌کرد و در این زمینه هیچ راه فراری برای طرف مقابل مناظره باقی نمی‌گذاشت.<sup>۴</sup> بدین ترتیب مشی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی که از سوی امام رضا پی‌گیری می‌شد و توجه ایشان به واقعیات اجتماعی، از آن حضرت چنان

۱ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

۲ صدوق، التوحید، ص ۵۰۳ - ۵۲۹.

۳ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۳۲۶ و محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

۴ صدوق، التوحید، ص ۵۴۳.

الگوی برای آحاد مسلمانان ساخته بود که تمام نقشه‌های مأمون برای کنترل آن حضرت و کاهش توجه جامعه به او را نقش بر آب ساخت.<sup>۱</sup>

رویکرد مذکور می‌تواند گویای این درس برای ما در عصر حاضر باشد که در حوزه تعامل و رابطه با سایر جوامع، مذاهب و گروه‌های فکری، نباید سیاست انقباضی را در پیش بگیریم و جامعه اسلامی را به جامعه‌ای گریزان از تعامل با جهان معاصر تبدیل نماییم، بلکه باید از تعامل با جهان استقبال کرده، بکوشیم با فعال کردن محافل علمی و فکری جامعه خود، در چارچوب نظام معنایی توحیدی، اندیشه و منش اسلامی را به جهانیان عرضه کنیم.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مجموعه الگوهای رفتاری که سبک زندگی را پدید می‌آورد، متأثر از تمایلات و ترجیحات فردی و گروهی است که به تدریج شخصیت افراد و هویت گروه‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. اما این سلیقه فردی یا گروهی، نامحدود نیست و در چارچوب معینی که ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی آن را ترسیم می‌کند، گزینه‌های خاصی را مورد توجه قرار می‌دهد. از سوی دیگر فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای آن در یک جامعه دینی نیز به میزان بسیار زیادی متأثر از باورهای آینی و آموزه‌های آن خواهد بود. بدین ترتیب، سبک زندگی در جامعه دین‌مدار به صورت کاملاً طبیعی ریشه در نظام معنایی توحیدی و آموزه‌های وحیانی خواهد داشت و الگوهای رفتاری که گروه‌های مرجع مورد تأیید دین ارائه می‌کنند، ساختار سبک زندگی را در آن جامعه می‌سازد.

بر این اساس در جامعه اسلامی، آن دسته از الگوهای رفتاری باید مورد توجه باشد که آموزه‌های اسلامی و بویژه تعالیم قرآنی، به آن توصیه کرده است. در این زمینه الگوها و اسوه‌های معرفی شده از سوی قرآن، پیامبر گرامی اسلام و خاندان مطهر ایشان که از هر پلیدی به دور هستند،<sup>۲</sup> بهترین الگوهای رفتاری را برای سبک زندگی، خصوصاً در حوزه روابط اجتماعی که از ظرافت و پیچیدگی خاصی برخوردار است، به ما ارائه می‌کند.

<sup>۱</sup> همان.

<sup>۲</sup> (... اَتَمَّا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ اَهْلِ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) (احزاب، آیه ۳۳).

هم‌پوشانی حداکثری ویژگی‌ها و شرایط برخی از دوره‌های زندگی اهل‌بیت علیهم‌السلام با شرایط و اقتضائات معاصر، می‌تواند یکی از دلایل تمرکز و توجه ویژه به الگوهای رفتاری اهل‌بیت در آن زمان خاص باشد. به همین دلیل، قرار گرفتن جامعه اسلامی معاصر در دوره گذار تاریخی و فرهنگی موجب می‌شود توجه به سبک زندگی اهل‌بیت در دوره‌ای مانند عصر زندگی امام رضا علیه‌السلام از اهمیت بیشتری برخوردار گردد. در همین راستا الگوهای رفتاری آن حضرت در حوزه روابط اجتماعی و در سطوح گوناگون خانوادگی، درون‌گروهی آئینی و مذهبی، رابطه با پیروان سایر ادیان و مذاهب و تعامل فرهنگی با دیگران، می‌تواند قالب روابط اجتماعی و سمت و سوی الگوهای رفتاری جامعه اسلامی معاصر را سامان دهد.

تذکر این نکته نیز لازم است که آنچه در این نوشتار آمده، تنها بخش اندکی از لوازم، مراتب و ابعاد سبک زندگی برگرفته از الگوهای رفتاری امام رضا علیه‌السلام است و کار تفصیلی در این زمینه از توان و تخصص یک فرد و یا یک مجموعه محدود خارج و نیازمند ایجاد لجنه‌ای فراگیر است. در این مسیر، و راهی طولانی باید پیموده شود که حاصل آن تصویرهایی از جامعه مطلوب اسلامی بر اساس آموزه‌های ناب دینی خواهد بود. اگر این تصاویر به صورت شفاف به جهانیان عرضه شود، خریداران و مشتاقان بسیاری خواهد داشت که اکنون در خلأ این الگو، راه را گم کرده و به سمت و سوهای دیگری روانه شده‌اند.

منابع

- قرآن کریم

- ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، دار و مکتبة الهلال، بیروت، ۲۰۰۳م.

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵.

- ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی‌طالب، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، انتشارات علامه، قم، بی‌تا.

- ابن‌صباغ، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، المجمع العالمی لأهل‌البیت، قم، ۱۳۸۵.

- إربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، مجمع جهانی اهل‌بیت، قم، ۱۴۲۶ق.

- بارتلد، واسیلی ولادیمیر، فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه عباس به‌نژاد، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
- بوردیو، پیر، تمایز - نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی، ترجمه حسن چاوشیان، ثالث، تهران، ۱۳۹۰.
- جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست، تنظیم و تحقیق عباس رحیمیان، اسراء، قم، ۱۳۸۸.
- حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۴ق.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسة آل‌البت لإحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ق.
- حسینی قزوینی، سیدمحمد، موسوعة الامام الرضا علیه السلام، مؤسسة ولی العصر عجل للدراسات الاسلامیة، قم، ۱۳۸۷.
- حکیمی، محمد، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، مؤسسة الثقافة الاسلامیة لکوشانپور، قم، ۱۴۱۷ق.
- ذهبی، عباس، الإمام الرضا علیه السلام سیرة و تاریخ، مرکز الرسالة، قم، ۱۴۲۲ق.
- سیدرضی، نهج‌البلاغة، ترجمه سیدجعفر شهیدی، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰.
- شکویی، حسین، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، سمت، تهران، ۱۳۸۹.
- صدر، سید موسی، اسلام و فرهنگ قرن بیستم، ترجمه علی حجتی کرمانی، کتاب آوند دانش، تهران، ۱۳۷۹.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، التوحید، تعلیقات و توضیحات علامه مجلسی، دار و مکتبة الهلال، بیروت، ۲۰۰۹ م.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، عیون اخبار الرضا، المکتبة الحیدریة، قم، ۱۳۸۳.

- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله و هاشمی، سیدضیاء، «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی نامه علوم اجتماعی، ش ۲۰، ۱۳۸۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، قرآن در اسلام، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۳.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۹۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- طبرسی، ابونصر حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، شریف رضی، قم، ۱۳۷۱.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۸ق.
- فارابی، ابونصر، آراء اهل المدينة الفاضلة، دار المشرق، بیروت، ۱۹۹۱م.
- فاضل قانع، حمید، «نقش و جایگاه سبک زندگی در فرآیند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی»، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، قم، ۱۳۹۱.
- فاضل قانع، حمید، سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۹۲.
- فضل‌الله، محمدجواد، الإمام الرضا علیه السلام تاریخ و دراسة، مؤسسة دارالکتاب الإسلامی، قم، ۱۴۲۸ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، اسوه، تهران، ۱۳۸۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، روضة الکافی، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۷ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۶ق.
- کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، سمت، تهران، ۱۳۸۰.

- گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخص، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی، تهران، ۱۳۸۷.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمة الله، قم، ۱۳۷۸.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ترجمه و شرح هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
- مهدوی کنی، محمدسعید، «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی» فصل نامه علمی-پژوهشی تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، تهران، ۱۳۸۶.
- وات، مونتگمری، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ترجمه و توضیح حسین عبدالمحمدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمة الله، قم، ۱۳۸۹.
- وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، سمت، تهران، ۱۳۷۴.
- هونکه، زیگرید، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.